

حاشیه‌نشینی و احساس امنیت: مطالعه جوانان

حاشیه‌نشین شهر تبریز

علی قاسمی اردهایی^۱

رضا نوبخت^۲

چکیده

هدف این مقاله مطالعه مسایل اجتماعی مناطق حاشیه‌نشین شهر تبریز و تأثیر آن بر احساس امنیت و سایر آسیب‌های مرتبط با حاشیه‌نشینی و میزان احساس امنیت است. با به‌کارگیری روش پیمایش و پرسشنامه محقق ساخته، اطلاعات مورد نیاز از ۲۶۰ فرد ۱۵ الی ۳۰ ساله‌ی محله‌های حاشیه‌نشین شهر تبریز جمع‌آوری گردید. در ارتباط با مسایل اجتماعی محله‌های حاشیه‌نشین، بیکاری و فقر از مسایل اقتصادی مهم و نیز اعتیاد، فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی از آسیب‌های اجتماعی مهم محله‌های مورد مطالعه است. مسایلی که با وضع اقتصادی افراد ارتباط معنی‌دار داشته و به‌دنبال خود مسایل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دیگری را در برداشته است. روابط اجتماعی حاکم در سطح کلان‌شهر تبریز و آشنایی جوانان حاشیه‌نشین با این سبک زندگی از یک طرف و پای‌بندی خانواده‌های حاشیه‌نشین به آداب و رسوم سنتی مبدأ از طرف دیگر، امنیت و آرامش خانواده‌های حاشیه‌نشین را با مشکل مواجه ساخته است. اکثریت پاسخگویان احساس امنیت در محیط خانواده و نیز احساس امنیت از لحاظ فرهنگی را در سطح پایین دانسته‌اند. این امر نشان می‌دهد مسایل فرهنگی نقش به‌سزایی در میزان احساس امنیت افراد در مناطق حاشیه‌نشین دارد. با توجه و رسیدگی بیشتر به بُعد فرهنگی احساس امنیت و فراهم کردن امکانات فرهنگی بیشتر در محله‌ها؛ همانند کتابخانه‌های عمومی، فرهنگ سراها، طراحی برنامه‌هایی که ارزش‌های جدید با بار مثبت فرهنگی را به خانواده‌ها القاء کند، می‌توان میزان امنیت خاطر جوانانی که در محله‌های مذکور زندگی می‌کنند را بالا برده و از میزان تعارضات ارزشی بین‌نسلی به وجود آمده بین جوانان و والدین پا به سن گذاشته کاست.

واژگان کلیدی: شهر تبریز، حاشیه‌نشینی، جوانان حاشیه‌نشین، احساس امنیت.

۱- استادیار جمعیت‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور (نویسنده مسؤل)

۲- دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران، هیئت علمی دانشگاه پیام نور

۱. مقدمه و طرح مسئله

بعد از جنگ دوم جهانی، یکی از مهم‌ترین مسایل اجتماعی کشورهای در حال توسعه، رشد و توسعه‌ی شتابان و ناهمگون شهرنشینی بوده است. بدیهی است که رشد انفجاری شهرنشینی و در پی آن رشد پدیده‌ی حاشیه‌نشینی، برآیند مهاجرت‌های مداوم داخلی یعنی از روستاها به شهرها است که بازتاب اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی آن رشد گروه‌ها و جوامع حاشیه‌نشین است که در مناطق مختلف کلان‌شهرها به اشکال گوناگون آلونک‌نشینی، زاغه‌نشینی، کپر‌نشینی و حلبی‌آبادها بروز می‌کند. آنچه مطالعه این پدیده را با اهمیت می‌کند، مهاجرت طبقه‌ای از جامعه روستایی است که از لحاظ سرمایه، تحصیلات و درآمد در سطح پایینی قرار دارند و با توجه به این خصصت‌ها در محیط شهری آسیب‌پذیر خواهند بود. علاوه بر این، گروه مهاجر شیوه‌ای از زندگی را به وجود می‌آورند که نسبت به سه شیوه‌ی رایج زندگی یعنی شهری، روستایی و ایلاتی متفاوت است (حسین‌زاده‌دلیر، ۱۳۷۰: ۶۴). در شیوه زندگی جدید (زندگی حاشیه‌نشینی)، میزان اهمیت، شکل و چارچوب خاص خانواده نیز تغییر خواهد یافت. خانواده گروه‌های مهاجر بعنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی پشتیبان، از کانون‌های آسیب‌پذیر در پدیده و روند حاشیه‌نشینی بشمار می‌رود. تغییرات کُند خانواده‌های حاشیه‌نشین و عدم سازگاری با تغییرات سریع جامعه اکثریت شهری، نامنی‌ا اعضای در خانواده را به همراه خواهد داشت و در نتیجه امنیت خانواده به‌عنوان مکان حافظ ارزشها و تعلقات مشترک اعضا به خطر افتاده و هویت خانواده به عنوان محل امن و آرامش فرد تهدید خواهد شد. فرد به دلیل تفاوت دریافتی خود از جامعه و خانواده، دچار سردرگمی شده و گاه خانواده را نقطه مقابل خواسته‌هایش می‌بیند. اگر آنچه خانواده به عنوان ارزش و فرهنگ در طی زندگی پذیرفته است با آنچه در جامعه حاضر جاری است تفاوت داشته و یا متضاد باشد، نامنی و اضطراب در افراد جامعه به وجود خواهد آمد. خانواده‌های حاشیه‌نشین با حفظ فرهنگ مبدأ که قابل حل در فرهنگ کلان شهری جدید (مقصد) نیست، افراد را دچار تعارض کرده و ارزش خانواده را در مقابل ارزش جامعه قرار می‌دهد.

بروز مسئله حاشیه‌نشینی که مرتبط با مسائل قرن بیستم و رشد شهرهایی مانند شیکاگو در آمریکا می‌باشد، با مهاجرت‌هایی از سایر نقاط جهان به آمریکا و به‌ویژه شهر شیکاگو آغاز شد (فیالکوف، ۱۳۸۳). امروزه مهاجرت و به تبع آن حاشیه‌نشینی به بنیادی‌ترین و اساسی‌ترین مسئله‌ی جمعیتی تبدیل شده است. این امر به خصوص در کشورهای جهان سوم تبدیل به یک معضل اجتماعی شده است (قاسمی‌اردهایی و حسینی‌راد، ۱۳۸۸). محققان در حوزه‌های مختلف به‌خصوص در داخل کشور، بیش‌ترین تمرکز خود را بر عوامل پدیدآورنده حاشیه‌نشینی یا تأثیر این پدیده بر جامعه اکثریت شهری نهاده‌اند و در مطالعات انجام شده، توجه کمی به مسایل درون گروهی این زیرگروه جمعیتی شده است.

شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در ایران ریشه در توسعه برون‌زا و رشد بسیار سریع شهرنشینی دارد، که آغاز آن به طور تقریبی مقارن است با سالهای آغازین ۱۳۰۰ و آغاز گسترش ارتباط اقتصادی

سرمايه داری که موجب ایجاد تحولاتی در شیوه‌های تولید و به دنبال آن دگرگونی‌هایی که در شبکه شهری و روستاها شده و نهایتاً کلان‌شهرهایی چند در کشور، به عنوان محل تمرکز همه فعالیت‌های صنعتی جدید ایجاد کرد (حسامیان و همکاران، ۱۳۷۷؛ پارسا پژوه، ۱۳۷۳). اوج این حرکت به سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ بر می‌گردد که نتیجه آن مهاجرت‌های عظیم روستاییان به شهرها بود. تبریز به عنوان یکی از کلان‌شهرهایی که درگیر با مسئله حاشیه‌نشینی است، برای این مطالعه انتخاب شده است. کلان‌شهر تبریز با جمعیتی حدود ۱/۵ میلیون نفری در شمال غرب کشور، به نسبت جمعیت خود جمعیت حاشیه‌نشین و آلونک‌نشین بیشتری را به خود اختصاص داده است. با وجود اقدامات بازدارنده و کنترل‌های محلی، روند حاشیه‌نشینی در سال‌های اخیر در این شهر نه تنها مهار نشده بلکه گاهی با رشد قابل توجهی همراه بوده است. اشتغال افراد حاشیه‌نشین در مشاغل غیررسمی و کاذب، وجود ساخت و سازهای غیرمجاز، عدم توانایی شهرداری‌ها برای ارائه خدمات مناسب در این مناطق بر کل سیستم شهر، افزایش جرم و انحرافات در این مناطق از جمله آثار مخرب و مضر حاشیه‌نشینی بر روی ساکنان این مناطق و کل شهر است. از این رو، به نظر می‌رسد پرداختن به مساله حاشیه‌نشینی در این شهر و توجه به آثار نامطلوب آن به‌ویژه بر ساکنان این مناطق، ضرورت می‌یابد.

از دیدگاه اجتماعی، حاشیه‌نشینان افرادی‌اند که دارای خانواده گسترده بوده و فقدان تخصص، کم‌سواد و میزان درآمد ناکافی جهت تأمین معیشت مورد نیاز، از مشخصه‌های بارز آن‌ها است. بی‌هیچ تردیدی هر یک از عوامل می‌تواند راه را برای زایش انواع ناهنجاری‌های اجتماعی هموار نموده و لزوم نگاه جدی به معضلات این قشر آسیب‌پذیر را غیرقابل انکار نماید. در این میان، نبود تمکن مالی مناسب و عدم تناسب میزان درآمد این قشر با هزینه‌های سرسام‌آور زندگی در کلان‌شهرها، حاشیه‌نشینان را وادار می‌سازد تا به علت فقدان حداقل فاکتورهای ثابت درآمدی، به ایجاد شهرک‌های حاشیه‌ای و سکونت در آن‌ها بپردازند که این خود سرآغاز مشکلات فراوانی در تمامی حوزه‌ها و خصوصاً حوزه مدیریت شهری است (موسویان، ۱۳۸۵: ۲). خانواده به‌عنوان اولین کانونی که فرد در آن قرار می‌گیرد، وظیفه اجتماعی کردن و تأمین امنیت اعضایش را برعهده دارد. بنابراین، خانواده با روش تربیتی و تعامل و روابط درونی خود با اعضایش، نقش بسزایی در ایجاد آرامش و امنیت و یا ناامنی افراد دارد. بر این اساس، اگر آنچه خانواده به‌عنوان ارزش و فرهنگ در طی زندگی پذیرفته است با آنچه در جامعه و اجتماع حاضر جاری است تفاوت داشته و یا متضاد باشد، ناامنی و اضطراب در اعضای جامعه به‌وجود خواهد آمد (حبیبی، ۱۳۸۷). خانواده‌های حاشیه‌نشین با داشتن فرهنگ مبدأ (که قابل حل در فرهنگ کلان‌شهری نیست)، افراد را دچار تعارض می‌کند و ارزش خانواده را در مقابل ارزش جامعه قرار می‌دهد. در این مطالعه، مسایل خانواده‌های حاشیه‌نشین با تمرکز بر مفهوم امنیت در مناطق حاشیه‌نشین شهر تبریز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. زمینه‌های نظری و تجربی

در این مطالعه با توجه به عوامل موثر در احساس امنیت همانند فرهنگ پدرسالاری در خانواده، فقر فرهنگی، فقر اقتصادی در خانواده و تعارض خانواده و جامعه، به نظریه‌ها و مطالعاتی در این زمینه اشاره می‌گردد. در روند سازگاری مهاجران در شهر، جان ترنر^۱ ضمن بررسی پدیده حاشیه‌نشینی در شهرها که بارزترین حاصل مهاجرت به شهرها است، به این نتیجه رسیده است که جوامع حاشیه‌نشین نه تنها کاملاً سازمان یافته‌اند، بلکه دامنه‌ای به‌هنگار از آرزوها و اولویت‌های در حال تغییر خانوادگی را نیز دارا هستند. وی برای نشان دادن چگونگی تغییر این اولویت‌های متعارض، به هنگامی که خانوارهای کم درآمد با اطمینان بیشتر در اقتصاد شهری تثبیت می‌شوند، الگوی ساده‌ای تدوین کرد. بر مبنای این الگو در اولین مرحله (مرحله تازه واردان)، دسترسی به کار موقتی مهم‌ترین هدف است و هرگونه سرپناه دم دست کفایت می‌کند. زمانی که درآمد دایمی و منظم و مطمئن حاصل شد، هدف اصلی تحکیم موقعیت فرد به وسیله تامین مالکیت قانونی مسکن در شهر است. بالاخره زمانی که سکونت قانونی تامین شد، از طریق توسعه دسترسی به سایر امکانات، اولویت‌هایی به ارتقای شیوه زندگی داده می‌شود. نظریه جان ترنر و دیگر محققان در مورد مساله حاشیه‌نشینی و گسترش شهری، گوشه‌ای از زندگی حاشیه‌نشینی را پوشش می‌دهد. چهره‌های گوناگون زندگی حاشیه‌نشینی که غالباً از مهاجران روستایی تشکیل می‌شود (جمالی، ۱۳۸۱: ۶۵ و ۶۴). گیدنز (۱۳۸۷: ۲۲-۷۰) در ارتباط با این موضوع به سه مفهوم اشاره دارد: الف) اعتماد و امنیت، ب) صمیمیت و امنیت، ج) اضطراب و امنیت. احساس امنیت عبارت است از احساس آزادی نسبی از خطر، این احساس وضع خوشایندی را در مردمان ایجاد می‌کند که فرد در آن دارای آرامش روحی و جسمی می‌گردد (رجبی پور، ۱۳۸۲). احساس امنیت پدیده روان‌شناختی - اجتماعی است که دارای ابعاد گوناگون می‌باشد. این احساس ناشی از تجربه‌های مستقیم و غیرمستقیم افراد از شرایط و اوضاع محیط پیرامونی است و افراد مختلف به صورت‌های گوناگون آن را تجربه می‌کنند. به لحاظ روش‌شناسی، احساس امنیت سازه چند بعدی و در ارتباط با شرایط اجتماعی و افراد مختلف به گونه‌های متفاوت ظهور یافته و به اشکال مختلف نیز قابل سنجش و اندازه‌گیری است.

وقتی به بررسی احساس امنیت اجتماعی پرداخته می‌شود، باید به تفاوت سازمان‌ها و گروه‌های اجتماعی به لحاظ نوع روابط شان و کیفیت پیوند متقابل و مشترک شان توجه داشت. چرا که احساس امنیت اجتماعی مستقیماً به حفظ پیوندهای متقابل مشترک در واحد اجتماعی مربوط است. از این رو برای درک میزان برخورداری واحد اجتماعی از امنیت باید به نوع روابط و ماهیت تعلقات مشترک اعضاء توجه داشت و گروه‌ها را برحسب چگونگی روابط نخستین یا ثانویه از یکدیگر تفکیک نمود. مهاجران روستایی با فرهنگ و آداب و رسوم ویژه‌ی خود در حاشیه‌ی شهرها ساکن می‌شوند. حال آنکه ناگزیرند با شهر که ویژگی‌ها و راه و رسم متفاوتی از آنها دارند، در

1 John Turner

ارتباط باشند. نه شهرها می‌توانند فرهنگ روستایی را در خود حل کنند و نه فرهنگ روستایی توانایی برخورد صحیح با فرهنگ و شیوه‌ی جدید را دارد. در این جاست که مسئله تعارض جامعه و خانواده پیش می‌آید. حاشیه نشینان باتوجه به تفاوت فرهنگی نسبت به جامعه شهری، در مواجهه با مشکلات پیش آمده در محیط شبه شهری - روستایی جدید ناتوان می‌مانند. پائین بودن سطح تحصیلات والدین، حاکم بودن روحیه پدرسالاری در نحوه‌ی تربیت و برخورد با فرزندان، در تشدید ناامنی محیط خانواده مناطق حاشیه‌نشین می‌تواند مؤثر باشد. با از دست رفتن تدریجی ارزش‌های نهادی این نوع خانواده‌ها، کارکردهای آن رو به تضعیف گذاشته و ناامنی تدریجی در آن رخ می‌دهد. این ناامنی، آسیب‌هایی چون فروش مواد مخدر، مشروبات الکلی، فرار دختران، تکدی‌گری، اعتیاد و خشونت خانوادگی را در پی خواهد داشت.

طبق موارد مطرح شده، می‌توان نتیجه گرفت که در بیشتر موارد انتظارات جامعه و اعضای خانواده از فرد ممکن است با توانایی‌ها و استعدادها وی تعارض داشته باشد. در این موقعیت است که فرد تحت فشار قرار گرفته و خود را مقابل آنچه اطرافیان می‌خواهند می‌بیند و جهت خلاصی یافتن از این وضعیت هرگونه تلاشی می‌کند. حتی تلاشی که شاید نتایجی به مراتب بدتر و نابود کننده‌تر داشته باشد. بنابراین، انتظارات بیشتر اطرافیان از فرزندان ممکن است به ناامنی و سقوط به راه‌های نافرجام بیانجامد. هم‌چنین، اعتقاد به قدیمی بودن اعتقادات و افکار والدین (که جوانان دیروز بوده و محدودکننده زندگی جوانان امروز هستند)، باعث ایجاد ناامنی و تعارض بین والدین و فرزندان گردیده و جوانان را در جهانی بی‌هویت و بی‌اساس تنها می‌گذارد.

ساروخانی و نویدنیا (۱۳۸۵: ۸۷) در مطالعه‌ی بی‌عنوان "امنیت اجتماعی و محل سکونت"، با تأکید بر متغیر محل سکونت به مطالعه‌ی امنیت اجتماعی خانواده پرداخته و میزان برخورداری خانواده‌ها در شرایط فعلی از امنیت اجتماعی را مورد بررسی قرار داده‌اند. در این بررسی امنیت جانی، امنیت مالی، امنیت شغلی، امنیت عاطفی، امنیت اخلاقی به‌عنوان ابعادی از امنیت اجتماعی خانواده برآورد گردید و تفاوت این ابعاد به لحاظ منطقه‌ی سکونت مورد مقایسه قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که محل سکونت بر امنیت اجتماعی خانواده اثرات مؤثر و معنی‌داری دارد. هم‌چنین برخورداری خانواده از امنیت جانی، مالی، شغلی، عاطفی، اخلاقی به نوبه خود تأثیر زیادی بر امنیت اجتماعی به‌عنوان شاخص ترکیبی از سطوح گوناگون امنیت در اجتماع را نشان می‌دهد. امنیت اجتماعی خصلتی تفاضلی، شبکه‌ای، جمعی و ترکیبی دارد و متناسب با محل سکونت خانوارها، این ویژگی‌ها دستخوش تغییر می‌شوند.

احمدی و ایمان (۱۳۸۴) تحقیقی با عنوان "فرهنگ فقر، حاشیه‌نشینی و گرایش به رفتار بزهکارانه"، در میان جوانان حاشیه نشین ده پیاله شیراز انجام داده‌اند. پژوهشی با روش پیمایشی که با شیوه خود گزارشی اطلاعات مورد نیاز در مورد ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، اقتصادی و اجتماعی پاسخگویان، مولفه‌های فرهنگ فقر و گرایش جوانان به رفتار بزه‌کارانه را جمع‌آوری نموده است. یافته‌های حاصل از تحلیل پراکنش دوسویه بیانگر رابطه معنی‌داری با احتمال ۹۹

درصد بین حاشیه نشینی و مولفه های فرهنگ فقر نظیر عدم تمایل به پس انداز، احساس سرشکستگی و میل به انزوا و کمبود حمایت خانواده و نیز تعامل بین حاشیه نشینی و مولفه های فرهنگ فقر در رابطه با رفتار بزه کارانه جوانان است. این مطالعه نشان می دهد که ناامنی خانواده ارتباط مستقیم با محل سکونت دارد. قانون گریزی جوانان تابعی از مناطق حاشیه نشین است که فقر فرهنگی حاکم بر این مناطق این ناامنی را تشدید می کند.

۳. روش تحقیق

تحقیق حاضر به روش پیمایش انجام گرفته و اطلاعات لازم از طریق مصاحبه ی ساختمند گردآوری شده است. براساس نتایج تحقیقی (ستاد ساماندهی حاشیه نشینان تبریز، ۱۳۸۸)، جمعیت حاشیه نشین شهر تبریز حدود ۴۰۰ هزار نفر برآورد می شود که حدود یک چهارم سطح شهر را شامل می شود. ۱۳ منطقه شهر تبریز (انتهای محله های منبع، سیلاب، یوسف آباد، خلیل آباد، داداش آباد، کشتارگاه، عباسی، مارالان، حافظ، طالقانی، لاله، امامیه و آخماقیه) از جمله مراکز تجمع حاشیه نشینان است که در حدود ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ هکتار از شهر تبریز را شامل می شود. به دلیل گستردگی موضوع و میدانی بودن آن، تحقیق به چند محله حاشیه نشین محدود شده است. با توجه به اهداف مورد نظر در مطالعه، جامعه آماری این مطالعه را افراد ۱۵ الی ۳۰ ساله خانواده های حاشیه نشین شهر تبریز تشکیل می دهد. با توجه به ویژگی های جامعه آماری، اهداف تحقیق و افراد در دسترس، اطلاعات لازم از تعداد ۲۶۰ جوان به روش نمونه گیری سهمیه ای و با استفاده از پرسش نامه محقق ساخته جمع آوری گردید. مفاهیم اصلی تحقیق دو مفهوم احساس ناامنی و عوامل احساس ناامنی است. عوامل ناامنی عبارتند از فقر فرهنگی، تعارض خانواده با جامعه، پدر سالاری (ساختار سنتی خانواده) و میزان درآمد که در ذیل تعریف می گردد:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تعاریف	مفاهیم
عدم امنیت مالی و یا فرهنگی در خانواده که در اثر عدم تأمین نیازهای مادی و روحی بوجود می‌آید.	نامانی
در این تحقیق بیشتر تعارض فرهنگی مهاجران روستایی ساکن در حاشیه با فرهنگهای و شیوه زندگی شهری مد نظر است. که ارزشهای خانواده از سوی جامعه تهدید می‌شود.	تعارض جامعه و خانواده
حکومت مطلق پدر و جنس مذکر در خانواده که تصمیم پدر و یا برادر حرف اول را می‌زند و زن همیشه باید مطیع و فرمان‌بردار مرد باشد چنانچه برادر حق تنبیه و امر و نهی برخواهر را دارد.	پدر سالاری
کم سواد و بی سواد، اعتقاد به برخی هنجارهای بی ارزش قدیمی.	فقر فرهنگی

با در نظر گرفتن زمینه‌های نظری و مطالعات پیشین، مفاهیم مورد نظر و هم‌چنین به منظور کاهش گویه‌های تشکل دهنده مفاهیم، از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی تکنیک تحلیل عاملی استفاده شده است. برای به‌حداقل رساندن تعداد گویه‌هایی که روی یک عامل بار می‌شوند، از چرخش واریماکس استفاده شده است. پایایی متغیرها نیز از طریق آلفای کرونباخ سنجیده شده است. گویه‌ها، بار عاملی و آلفای کرونباخ مفاهیم امنیت، مسایل فرهنگی، تعارض خانواده و جامعه و ساختار سنتی خانواده در جدول‌های شماره ۱ و ۲ آورده شده است. KMO به‌دست آمده از تحلیل عاملی برای مفهوم امنیت (۰/۸۵) و سایر مفاهیم نشان می‌دهد که داده‌ها (همبستگی موجود بین داده‌ها) برای تحلیل عاملی مناسب هستند. هم‌چنین، مقدار آزمون بارتلتز هم برای مفهوم امنیت (۴۵۲/۴) و هم سایر مفاهیم معنی‌دار شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- 1 Principal Components Analysis
- 2 Loading
- 3 Varimax Rotation
- 4 Reliability
- 5 Bartlett's test

جدول (۱): گویه‌ها، بار عاملی و مقدار آلفای مفهوم امنیت به تفکیک ابعاد

گویه‌ها:	بار عاملی ابعاد:		
	امنیت اقتصادی	امنیت فرهنگی	امنیت خانواده
اعتیاد	-	۰,۸۵۷	-
فروش مواد مخدر	-	۰,۸۶۱	-
دزدی و سرقت	-	-	۰,۵۸۲
فحشا	-	۰,۵۹۰	-
دعوا و درگیری	-	-	۰,۸۵۳
ولگردی	-	-	۰,۸۹۸
فروش مشروبات الکلی	-	۰,۸۶۶	-
بیکاری	۰,۸۳۰	-	-
فقر	۰,۸۵۱	-	-
مقادیر آلفای کرونباخ	۰,۶۹	۰,۸۵	۰,۷۳

جدول (۲): گویه‌ها، بار عاملی، آلفا، بار تلتز و kmo مفاهیم فقر فرهنگی، تعارض فرد و خانواده و پدرسالاری

مفاهیم:	گویه‌ها:	بار عاملی:	آزمون‌ها:
مسائل فرهنگی	میزان ازدواج احتمالی	۰,۶۹	Kmo test= 0.64 Bartlett,s test= 36.8* Alpha=0.61
	تمایل والدین به ازدواج زود فرزندان	۰,۸۴	
	موافقت والدین با ادامه تحصیل دختران	۰,۷۰	
تعارض خانواده و جامعه	میزان سازگاری رفتار فرد با خانواده	۰,۷۵	Kmo test= 0.73 Bartlett,s test=100.5* Alpha=0.73
	میزان در نظر گرفتن سطح خانواده در دوست‌یابی	۰,۷۱	
	میزان سازگاری رفتار فرد با معیارهای خانواده	۰,۷۶	
ساختار سنتی خانواده	میزان رضایت والدین از تیپ و ظاهر فرد	۰,۷۶	Kmo test= 0.50 Bartlett,s test=40.51* Alpha=0.71
	میزان کنترل اعضای خانواده توسط پدر	۰,۸۷	
	میزان نفوذ پدر در امورات روزمره زندگی	۰,۸۹	

* معنی‌داری در سطح $P < 0.001$

۴. ویژگی‌های جمعیتی و زمینه‌ای پاسخگویان

در این پژوهش سعی بر این بوده است که زنان نیز به عنوان بخشی از نمونه در مناطق حاشیه نشین انتخاب شده و موضوع امنیت از دیدگاه آنها نیز مورد بررسی قرار گیرد. جدول ۳ بیان کننده این است که ۴۲ درصد از جمعیت نمونه را زنانی تشکیل می‌دهند که در مناطق حاشیه نشین زندگی می‌کنند. اندازه گیری متغیر تحصیلات نشان می‌دهد که درصد افراد بی سواد در نمونه صفر بوده و تحصیلات در مقطع متوسطه درصد قابل توجهی را به خود اختصاص داده است (۴۲٫۹ درصد). عدم ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر را می‌توان به متغیرهای هم‌چون درآمد این افراد نسبت داد که حدود ۷۵ درصد از خانواده‌های جمعیت نمونه درآمدی پایین‌تر از یک میلیون تومان داشته‌اند. سایر ویژگی‌های جمعیتی و زمینه‌ای افراد مورد بررسی را می‌توان در جدول شماره ۳ مشاهده نمود.

جدول (۳): توزیع نسبی پاسخگویان بر اساس متغیرهای زمینه‌ای تحقیق (%)

متغیرها	سطح بندی متغیرها	درصد	متغیرها	سطح بندی متغیرها	درصد
جنس	مرد	۵۷٫۲	سن	۱۵-۲۰	۳۸٫۷
	زن	۴۲		۲۱-۲۵	۲۷٫۷
درآمد (هزار تومان)	زیر ۵۰۰	۳۰٫۴	وضعیت مسکن	۲۶-۳۰	۲۲٫۸
	۵۰۰-۱۰۰۰	۴۴٫۴		اظهاری نشده	۰٫۸
تخصصیات	بالاتر ۱۰۰۰	۲۱٫۸	وضعیت مسکن	ملکی	۸۶٫۶
	اظهاری نشده	۳٫۴		استیجاری	۱۰٫۱
تخصصیات	بی سواد	۰٫۰	وضعیت مسکن	اظهاری نشده	۳٫۴
	ابتدایی	۷٫۶		بی سواد	۴۷٫۹
تخصصیات	راهنمایی	۱۳٫۴	وضعیت مسکن	ابتدایی	۲۶٫۱
	متوسطه	۴۲٫۹		راهنمایی	۱۶
تخصصیات	فوق دیپلم	۱۵٫۱	وضعیت مسکن	متوسطه	۵
	لیسانس	۱۹٫۳		فوق دیپلم	۲٫۵
تخصصیات	لیسانس و بالاتر	۰٫۸	وضعیت مسکن	لیسانس	۰٫۸
	اظهاری نشده	۰٫۸		فوق لیسانس و بالاتر	۰٫۰
تخصصیات	بی سواد	۶۶٫۴	وضعیت مسکن	اظهاری نشده	۱٫۷
	ابتدایی	۱۸٫۵		بی‌کار	۴۹٫۶
تخصصیات	راهنمایی	۸٫۴	وضعیت مسکن	شاغل	۳۲٫۸
	متوسطه	۱٫۷		محصل	۱۵٫۱
تخصصیات	فوق دیپلم	۱٫۷	وضعیت مسکن	اظهاری نشده	۲٫۵
	لیسانس	۱٫۷		بی‌کار	۹۰٫۶
تخصصیات	فوق لیسانس و بالاتر	۰٫۰	وضعیت مسکن	شاغل	۶٫۸
	اظهاری نشده	۱٫۷		مادر	۱٫۷
تخصصیات	بی‌کار	۱۰٫۱	وضعیت مسکن	شغل	۶۸٫۱
	شاغل	۶۸٫۱		پدر	۱۱٫۸
تخصصیات	بازنشسته	۱۱٫۸	وضعیت مسکن	مادر	۱۰٫۱
	اظهاری نشده	۱۰٫۱		پدر	۱۰٫۱

جدول (۴): توزیع نسبی پاسخگویان برحسب وضعیت اشتغال و به تفکیک سن و جنس (%)

وضعیت اشتغال	سن	جنس	
		زن	مرد
بیکار	۱۵-۲۰	۳۱,۹	۴۵,۵
	۲۱-۲۵	۲۵,۵	۴۵,۵
	۲۶-۳۰	۴۲,۶	۹,۱
	تعداد کل	۷۸	۵۰
شاغل	۱۵-۲۰	۳۳,۳	۲۱,۲
	۲۱-۲۵	۱۶,۷	۳۶,۴
	۲۶-۳۰	۵۰	۴۲,۴
	تعداد کل	۱۱	۸۱
محصل و دانشجو	۱۵-۲۰	۱۰۰	۶۶,۷
	۲۱-۲۵	۰	۳۳,۳
	۲۶-۳۰	۰	۰
	تعداد کل	۱۹	۱۷

براساس یافته‌های مندرج در جدول شماره ۴، درصد زنان بیکار بیشتر از دو برابر مردان است و درصد بیکاری در گروه‌های سنی مورد نظر بخصوص گروه اول و سوم در سطح بالایی است. توزیع نسبی جمعیت بر اساس افراد شاغل نشان‌دهنده این است که ۴۲,۴ درصد از مردان شاغل در گروه سنی ۲۶-۳۰ ساله قرار دارند و کم‌ترین میزان به گروه سنی اول اختصاص دارد. محصل و دانشجو بودن گروه سنی ۱۵-۲۰ ساله می‌تواند در این نتیجه تأثیر داشته باشد. کارگری ساده، گچ‌کاری، رانندگی، کارمندی، قاب‌سازی، مکانیک، فروشندگی، قالی‌بافی و آرایشگری، به ترتیب بیشترین شغل‌های اختصاص یافته به پاسخگویان شاغل بوده است.

۵. محل تولد (پدر خانوار)، علل مهاجرت و عوامل مؤثر در انتخاب مقصد

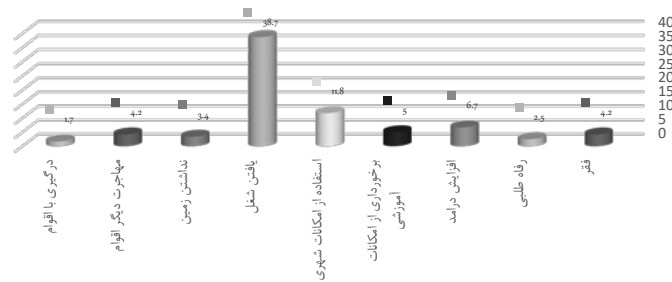
حدود ۱۵٪ اعلام کرده‌اند که اصالت تبریزی دارند و بقیه‌ی افراد بیشتر شهرهای اطراف تبریز (که نام آنها در جدول شماره ۵ آمده است) را محل تولد پدر خود اعلام کرده‌اند. ملاحظه می‌شود که بیشتر مهاجران حاشیه نشین از منطقه ارسباران (اهر، کلیبر و هوراند) به تبریز مهاجرت نموده‌اند و بنابراین متأثر از فرهنگ و فضای عمومی ارسباران خواهند بود. در نمودارهای شماره ۱ و ۲، عوامل مؤثر در مهاجرت و انتخاب محله زندگی به عنوان مقصد مهاجرت، مشخص شده است. براساس نمودار ۱، ۳۸,۷ درصد از افراد به دلیل یافتن شغل بهتر به شهر تبریز مهاجرت کرده و در محله‌های حاشیه شهر ساکن شده‌اند. استفاده از امکانات آموزشی و رفاهی بهتر، افزایش درآمد از

عواملی اند که در اولویت های بعدی مهاجران قرار گرفته اند. در نمودار شماره ۲، نزدیکی به اقوام و خویشان و پایین بودن اجاره و بهای مسکن (به ترتیب ۴۵,۴ و ۳۴,۵ درصد) مهم ترین عوامل در انتخاب محله حاشیه نشین مقصد بوده است.

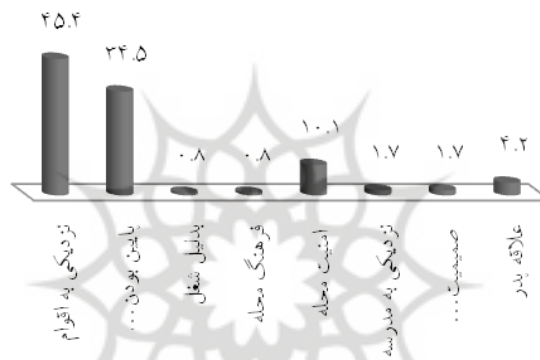
جدول (۵): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب شهرستان محل تولد پدر

شهرستان	تعداد	درصد
آذربایجان شرقی	۲۲	۸/۵
آذربایجان غربی	۶۰	۲۳/۱
اردبیل	۲۰	۷/۷
اصفهان	۴۰	۱۵/۴
ایلام	۸	۳/۱
بوشهر	۱۴	۵/۴
چهارمحال و بختیاری	۱۰	۳/۸
خراسان جنوبی	۲۰	۷/۷
خراسان رضوی	۴	۱/۵
خراسان شمالی	۴	۱/۵
گلستان	۶	۲/۳
گیلان	۶	۲/۳
کهگیلویه و بویراحق	۶	۲/۳
لرستان	۶	۲/۳
مازندران	۶	۲/۳
مازندران	۶	۲/۳
مبدا	۲۶۰	۱۰۰/۰

یافتن شغل و افزایش درآمد از عوامل موثر در مهاجرت افراد به مناطق حاشیه ای شهر تبریز است (نمودار ۱). حال این سوال مطرح می گردد که آیا وضعیت اقتصادی پاسخگویان بعد از مهاجرت تغییر یافته است یا نه؟ براساس داده های جدول ۶، بالای ۵۰٪ از پاسخگویان معتقدند که وضعیت اقتصادی شان پس از مهاجرت بهتر شده است، ۲۵٪ معتقدند که بدتر و ۲۴٪ معتقدند که تغییری نکرده است. این وضعیت در هر سه دامنه از سال های مهاجرت مشاهده می شود. همچنین، افرادی که مدت زمان بیشتری از مهاجرت شان گذشته است، دیدگاه بهتری به وضعیت اقتصادی خود نسبت به قبل از مهاجرت دارند. اما آماره همبستگی تاووسی کندال و اسپیرمن، معناداری رابطه مذکور را تأیید نمی کند. پس می توان گفت پایین بودن درآمد و نداشتن شغل بعنوان عامل دافعه مبدأ، با مهاجرت کردن به شهر تبریز مرتفع گردیده است و این امر شامل تمامی مهاجران با زمان های مهاجرت کوتاه مدت و بلندمدت می شود. همچنین، در پاسخ به این سوال که اگر شرایط برای مهاجرت به مبدأ (که اکثراً روستاست) فراهم شود، حاضر به بازگشت خواهد بود؟ اکثراً در پاسخ گفته اند خیر چون من از مهاجرت مان راضی بوده و از لحاظ شغل و تحصیلات به موفقیت خوبی رسیده ام که این موفقیت در مبدأ روستایی هرگز امکان پذیر نیست.



نمودار (۱): عوامل موثر در مهاجرت حاشیه نشینان به شهر تبریز (%)



نمودار (۲): عوامل موثر در انتخاب محله از طرف پاسخگویان

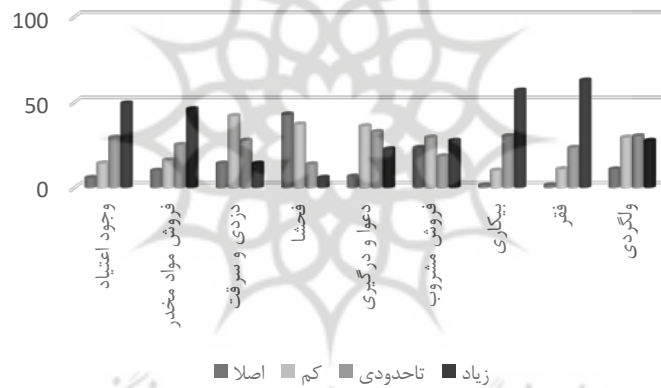
جدول (۶): توزیع نسبی حاشیه نشینان برحسب وضعیت اقتصادی و به تفکیک سالهای مهاجرت (%)

وضعیت اقتصادی:	سالهای مهاجرت:		
	کمتر از ۱۰ سال	از ۱۰ تا ۱۹ سال	از ۲۰ تا ۵۰ سال
بهبتر شده	۵۰	۷۵	۷۴,۷
بدتر شده	۲۵	۱۲,۵	۱۴,۷
فرقی نکرده	۲۵	۱۲,۵	۱۰,۷
تعداد کل	۴۰	۶۰	۱۵۰

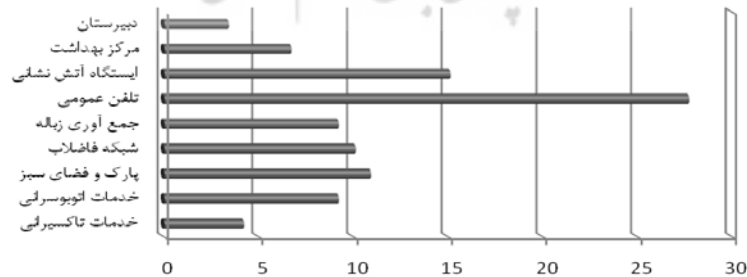
(Kendall's tau c = -0.070, Sig = 0.494; Spearman rho = -0.074, Sig = 0.497)

۶. میزان و نوع مسائل مناطق حاشیه نشین

نمودار شماره ۳، میزان مسایل اجتماعی و اقتصادی مختلف در محله‌های حاشیه‌نشین را نشان می‌دهد. در حوزه مسایل اقتصادی، اکثریت معتقد به وجود فقر و بیکاری در محیط زندگی خود هستند. در حوزه مسایل اجتماعی، پاسخگویان اعتیاد و فروش مواد مخدر را در اولویت‌های اول مسایل محله عنوان کرده‌اند و مسایلی از قبیل فحشا نیز در مراتب بعدی قرار می‌گیرد. می‌توان گفت که مسایل اقتصادی (همانند فقر و بیکاری) زمینه‌ساز شکل‌گیری مسایل اجتماعی (اعتیاد و فحشا) است. با حل مشکلات اقتصادی این افراد و گروه‌ها و توجه بیش‌تر به محله‌های حاشیه‌نشین می‌توان از شکل‌گیری مسایل اجتماعی (که می‌تواند به سطح شهر نیز گسترش داده شود) جلوگیری کرد. میزان بهره‌مندی ساکنان محله‌های حاشیه‌نشین از خدمات شهری در نمودار شماره ۴ نمایش داده شده است. نتایج نشان می‌دهد که ارائه خدمات در کلیه موارد در سطح بسیار پایینی است.

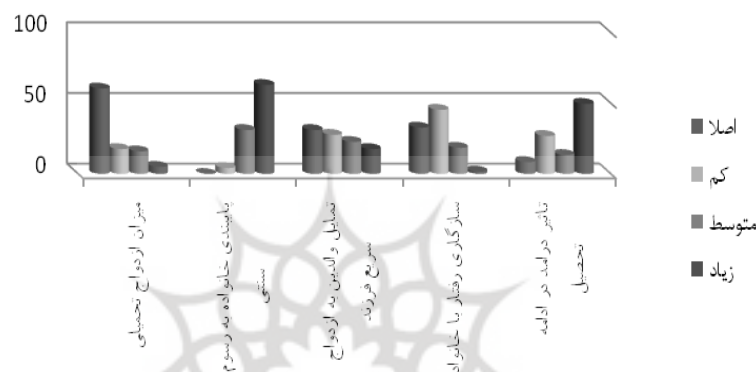


نمودار (۳): میزان وجود برخی مسایل اجتماعی و اقتصادی در محله‌های حاشیه‌نشین (%)



نمودار (۴): میزان بهره‌مندی حاشیه‌نشینان از خدمات مربوطه (%)

مسائل عنوان شده در نمودارها و جدول‌های قبل و میزان عدم برخورداری از محیط‌های آموزشی، تفریحی و فرهنگی محله‌ها، موجب بروز مسایل و مشکلاتی در خانواده‌های حاشیه‌نشین می‌شود که در نمودار شماره ۵ به آن اشاره شده است. پابندی به رسوم گذشته که خود موجب شکل‌گیری ازدواج‌های تحمیلی، ازدواج در سنین پایین و ناسازگاری رفتاری فرزندان می‌شود، را می‌توان در تحصیلات پایین والدین بخصوص مادران (جدول ۳) جستجو کرد. علاوه بر این، می‌توان به محیط فرهنگی حاکم بر محله‌ها و وضعیت بد اقتصادی خانواده‌ها نیز نسبت داد.



نمودار (۵): دیدگاه پاسخگویان در مورد مسایل مربوط به خانواده‌های حاشیه‌نشین (%)

۷. میزان احساس امنیت خانواده‌های حاشیه‌نشین و عوامل مؤثر بر آن

مهمترین هدف مطالعه، سنجش احساس امنیت خانواده‌های حاشیه‌نشین شهر تبریز می‌باشد. این شاخص در سه بُعد (اقتصادی، آموزشی- فرهنگی و محیط خانواده) سنجیده شده است. هرکدام از ابعاد به سه سطح امنیت پایین، متوسط و بالا تقسیم بندی شده و نمره نهایی با جمع نمودن نمره گویه‌های تشکیل دهنده ابعاد سه‌گانه، محاسبه شده است. احساس امنیت با بسیاری از عناصر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه ارتباط می‌یابد. تفسیر درست یا نادرست افراد و تجارب آنان از شرایط اجتماعی همواره احساس امنیت را در طیفی از احساس امنیت درست و واقعی یا کاذب و غیر واقعی قرار می‌دهد. میزان احساس امنیت در محله حاشیه‌نشین شهر تبریز براساس سه سطح در جدول ۷ نشان داده شده است. با توجه به جدول، ۲۸ درصد از پاسخگویان از میزان امنیت پایین برخوردارند و بیشترین درصد در بُعد آموزشی و فرهنگی مشاهده شده است که به احتمال زیاد شامل افرادی است که از لحاظ اقتصادی و خانوادگی شرایط مطلوبی ندارند و میزان دستیابی به موارد آموزشی و فرهنگی خود را در سطح پایین می‌دانند. امنیت متوسط و بالا، نسبت به امنیت پایین درصد بیشتری از پاسخگویان را به خود اختصاص داده است. به‌نوعی می‌توان این‌گونه عنوان کرد که اکثریت این افراد دارای سطح متوسط از آرامش

خاطر نسبت به مسایل مطرح شده نیستند، بلکه احتمال دارد که آنها بیش‌تر خود را با مسائل محل زندگی قبلی خود مقایسه نموده و به این برداشت رسیده‌اند.

جدول (۷): توزیع نسبی پاسخگویان بر حسب میزان احساس امنیت و به تفکیک نوع امنیت(%)

نوع امنیت	میزان احساس امنیت		
	پایین	متوسط	بالا
اقتصادی	۱۴/۶	۳۸/۰	۴۷/۴
آموزشی و فرهنگی	۳۵/۰	۳۶/۷	۲۸/۳
محیط خانواده	۳۴/۲	۳۷/۶	۲۸/۲
امنیت کل	۲۸/۰	۳۷/۴	۳۴/۶

به منظور پی بردن به مسایل تاثیرگذار در ایجاد احساس امنیت، از سه متغیر تأثیرگذار تعارض خانواده و جامعه، ساختار سنتی خانواده و مسایل فرهنگی استفاده شده است. در جدول شماره ۸، رابطه و همبستگی احساس امنیت کل با هر کدام از شاخص‌های مدنظر سنجیده شده است. نتایج نشان می‌دهد که ایجاد احساس امنیت پاسخگویان تنها با مسایل فرهنگی ارتباط معناداری دارد. شاخص فرهنگی بر اساس سوالاتی از تبعیض جنسیتی، بی‌سوادی و کم آگاهی و مخالفت با تحصیل دختران ساخته شده است. از طرفی دیگر، همبستگی معناداری بین احساس امنیت و شاخص‌های ساختار سنتی، تعارض ارزشهای خانواده و جامعه مشاهده نشده است. با این وجود، تنها عاملی که توانسته در ایجاد امنیت بیش‌ترین نقش را داشته باشد و این نقش معنادار هم است، عوامل فرهنگی و ارزشی حاکم بر مناطق حاشیه‌نشین است.

جدول (۸): بررسی همبستگی بین احساس امنیت با متغیرهای ساختار سنتی خانواده، فقر فرهنگی و تعارض خانواده و جامعه

ساختار سنتی خانواده	تعارض خانواده و جامعه	مسایل فرهنگی
پیرسون: ۰,۱۴۷ سطح معناداری: ۰,۱۳۳	پیرسون: ۰,۰۴۷ سطح معناداری: ۰,۶۲۲	پیرسون: ۰,۲۴۶ سطح معناداری: ۰,۰۰۹
کندال-بی: ۰,۱۳۲ سطح معناداری: ۰,۱۳۳	کندال-بی: ۰,۴۶۰ سطح معناداری: ۰,۵۹	کندال-بی: ۰,۲۱۶ سطح معناداری: ۰,۰۱۱
رو اسپیرمن: ۰,۱۴۹ سطح معناداری: ۰,۱۲۸	رو اسپیرمن: ۰,۰۴۹ سطح معناداری: ۰,۶۰۵	رو اسپیرمن: ۰,۲۴۴ سطح معناداری: ۰,۰۱۰

۸. بحث و نتیجه‌گیری

در حال حاضر یکی از مسایل اجتماعی مهمی که جامعه شهری با آن مواجه است، مسأله و پدیده حاشیه‌نشینی است که معلول عوامل متعددی است. بسیاری از محققان در مطالعه تاثیرات حاشیه‌نشینی بر شهر، به راه‌حلهایی هم‌چون دخالت و سیاست‌گذاری دولت در ایجاد اشتغال، فراهم نمودن تسهیلات مسکن اشاره کرده‌اند و برخی نیز به کنترل نمودن مهاجرت‌های روستا - شهری با استفاده از روش تمرکززدایی (اخترعلی، ۲۰۰۴) تأکید دارند. شاه حسینی (۱۳۸۴) نیز پایین بودن سطح معیشت مردم و کاهش کنترل دولت بر سکونت‌گاه‌ها را بررسی نموده‌اند. باتوجه به روند رو به رشد شهرنشینی در مناطق مختلف ایران و هم‌چنین نابرابری امکانات، وجود مناطق حاشیه‌نشین نشانه‌ای از این موضوع است که این مناطق جزء جدایی‌ناپذیر شهرنشینی معاصر محسوب می‌شود. بنابراین، یافتن راه حل جهت نداشتن این پدیده با روشهایی همانند کاهش مهاجرت از روستا به شهر، شیوه معقول و مفیدی به نظر نمی‌رسد. این مقاله بر اساس این فرض تدوین شده است که، حاشیه‌نشینی پدیده پایدار شهرنشینی در زمان حال و آینده خواهد بود و بر این اساس با رویکرد جامعه‌شناسی خرد این پدیده مورد بررسی قرار گرفت. فرض دیگر تحقیق این است که حل مسایل درونی این مناطق و شناخت آنها و برنامه‌ریزی جهت حل آنها، بهتر می‌تواند حتی مسایل شهری مرتبط با حاشیه‌نشینی را حل نماید. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که والدین پاسخگویان از سطح تحصیلات پایینی برخوردارند (۶۶ درصد از مادران و ۵۰ درصد از پدران بی‌سوادند) و به نظر می‌رسد یکی از عوامل موثر در اسکان خانواده‌های مورد مطالعه در مناطق حاشیه‌نشین و عدم پیشرفت آنها بعد از مهاجرت، تحصیلات پایین والدین است. از لحاظ اقتصادی ۷۵ درصد از پاسخگویان درآمد خانواده خود را پایین‌تر از یک میلیون تومان گزارش داده‌اند که نشان‌دهنده سطوح پایین خانواده‌ها از لحاظ اقتصادی است. سطح تحصیلات پایین و نداشتن آگاهی از طرفی و نیز وضعیت اقتصادی نامناسب دو عامل اصلی در ظهور مسایل اجتماعی به شمار می‌آید.

در بررسی عوامل موثر بر مهاجرت حاشیه‌نشینان، یافتن شغل بهتر و در مرتبه بعد استفاده از امکانات مهمترین عوامل تأثیرگذار بوده است. با وجود اینکه ۵۰ درصد از پاسخگویان در مقایسه وضعیت اقتصادی خود، قبل و بعد از مهاجرت معتقد بودند که وضعیت آنها بهتر شده است، اما میزان درآمد ماهیانه بیان شده نشان‌دهنده این است که جزء دهک‌های پایین جامعه قرار می‌گیرند. در ارتباط با مسایل اجتماعی محله‌های حاشیه‌نشین مورد مطالعه، بیکاری و فقر از مسایل اقتصادی مهم و نیز اعتیاد، فروش مواد مخدر، مشروبات از مسایل اجتماعی مهم محله‌های مورد مطالعه است. برخی از پاسخگویان به دلیل برخی از مسایل، از اظهار نظر در مورد مسایلی هم‌چون فحشا خودداری نموده‌اند و این به تابو بودن مسایل جنسی در جوامع سنتی بر می‌گردد.

در ارتباط با مسایل درونی خانواده‌های حاشیه‌نشین، پایبندی خانواده‌ها به رسوم گذشته، یعنی رسومی که در مبدا بوده و نیز ازدواجهای تحمیلی، کم‌توجهی به تحصیل فرزندان به‌ویژه دختران با توجه به درآمد پایین خانواده‌ها، از مهم‌ترین مسایل مورد اشاره است. به نظر می‌رسد روابط اجتماعی حاکم در سطح شهرهای بزرگ و آشنایی فرزندان با این سبک زندگی و از طرفی پایبندی خانواده‌های حاشیه‌نشین به آداب و رسوم سنتی، امنیت و آرامش خانواده‌های حاشیه‌نشین را با مشکل مواجه نموده است. اکثریت پاسخگویان احساس امنیت در محیط خانواده و نیز احساس امنیت از لحاظ فرهنگی و آموزشی را در سطح پایین دانسته‌اند. این امر نشان می‌دهد، مسایل فرهنگی نقش بسزایی در احساس امنیت افراد در مناطق حاشیه‌نشین مورد مطالعه داشته است.

قیمت پایین مسکن و نزدیکی به اقوام از دلایل اصلی انتخاب محله مورد نظر می‌باشد. قربت فرهنگی و عدم سازگاری با فرهنگ کلی کلان‌شهر تبریز موجب شده است که اکثریت این دسته از مهاجران در مناطقی ساکن شوند که دسترسی بیشتری به اقوام و آشنایان خود داشته باشند. این امر از طرفی به حفظ فرهنگ مبدا و آداب و رسوم سنتی روستایی حاشیه‌نشینان کمک می‌کند و از طرف دیگر می‌تواند باعث تعارض ارزشی والدین و فرزندان شود که بیشتر با جامعه اکثریت شهری در ارتباطند. براساس دیدگاه گیدنز، این تعارض اندیشه‌ها موجب ایجاد اضطرابی می‌شود که با امنیت خاطر در تعارض است.

نکته جالب توجه اینکه، با توجه به پایین بودن میزان درآمد این افراد در شهر، رضایت بیشتری از وضعیت اقتصادی خود نسبت به زمانی که در روستا یا شهر کوچک‌تری ساکن بوده‌اند، مشاهده شده است که با نتیجه مطالعه پارسا پژه (۱۳۸۱) همخوانی دارد. نتایج مطالعه وی نشان داد که ساکنین محله با وجود فقر شدید از شرایط و نحوه زندگی خود راضی‌اند و در این محله احساس امنیت می‌کنند که این احساس، محصول همبستگی‌های درونی، گریز از حس بیگانگی و تبعیض با محیط بیرونی بوده است. نقدی و صادقی (۱۳۸۵) در مطالعه خود به این نتیجه دست یافتند که حاشیه‌نشینان از محله زندگی خود رضایت لازم نداشته و مهم‌تر اینکه دارای احساس و هویت شهروندی نیستند، که با نتیجه تحقیق حاضر هم‌خوانی ندارد. هرچند می‌توان چنین نتیجه گرفت که فراهم کردن زمینه برای شغل بهتر در مناطق دیگر می‌تواند از شکل‌گیری این نوع مهاجرت‌های روستا-شهری جلوگیری کند، اما در عمل ما شاهد آمار روز افزون جمعیت حاشیه‌نشین در شهر تبریز هستیم و این راه حل مناسب به نظر نمی‌رسد. ساکنان مناطق حاشیه‌نشین بیشتر از کمبود امکانات رفاهی و خدماتی محله‌های خود ناراضی هستند. اعتیاد، فروش مواد مخدر و به‌دنبال آن فحشا از مهم‌ترین مسایلی بوده که ساکنان محله‌های حاشیه‌نشین به آن اشاره داشته‌اند. می‌توان گفت که عدم برخورداری از امنیت در تمامی سطوح می‌تواند زمینه‌ساز شدن افراد به گروه‌های بزه‌کار را فراهم نموده و مسایل اجتماعی جدیدتری را موجب گردد. بر اساس ارتباط معنا‌داری که در بین احساس امنیت و مسایل فرهنگی مشاهده شد، با

توجه و رسیدگی بیشتر به این موارد و فراهم کردن امکانات فرهنگی بیشتر در محله‌ها (کتابخانه-های عمومی، فرهنگ‌سراها، طراحی برنامه‌هایی که ارزش‌های جدید با بار مثبت فرهنگی را به خانواده‌ها القاء کند)، می‌توان میزان امنیت خاطر افرادی که در محله‌های مذکور زندگی می‌کنند را بالا برد. توجه به این بُعد (فرهنگی) می‌تواند از میزان تعارضات ارزشی به وجود آمده بین فرزندان و والدین کاسته و هم‌چنین زمینه تغییر ساختار سنتی خانواده را کاهش دهد. ربانی و همکارانش (۱۳۸۵) نیز در مطالعه خود، حاکم شدن فرهنگ فقر در منطقه‌ی حاشیه‌نشین را از پیامدهای اجتماعی حاشیه‌نشینی برشمره‌اند که در نتیجه افزایش میزان محرومیت نسبی حاشیه‌نشینان به وجود آمده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. احمدی، حبیب؛ ایمان، محمدتقی (۱۳۸۴) «فرهنگ فقر، حاشیه‌نشین‌ی و گرایش به رفتار بزه‌کارانه در میان جوانان حاشیه‌نشین ده پیاله شیراز»، مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره ۹: صص ۹۹-۱۱۸.
۲. پارسا پژوه، سپیده (۱۳۸۱) «نگرشی از درون به پدیده حاشیه‌نشین‌ی»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ۶: صص ۱۶۱-۱۹۷.
۳. جمالی، فیروز (۱۳۸۱) «مهاجرت، شهرها و سازگاری مهاجران»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، شماره ۱۸۲: صص ۶۱-۸۱.
۴. حبیبی، اکرم (۱۳۸۷) سنجش رابطه‌ی هویت اجتماعی زنان با احساس امنیت آنها در سطح شهر تبریز، پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش‌گری علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز: دانشکده علوم اجتماعی.
۵. حسین‌زاده دلیر، کریم (۱۳۷۰) «حاشیه‌نشین‌ی: در جستجوی معنی و مفهوم»، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۴۵ و ۴۶: صص ۶۳-۶۸.
۶. ربانی، رسول و همکاران (۱۳۸۵) «بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری مسأله‌ی حاشیه‌نشین‌ی و پیامدهای اجتماعی آن در شهر اهواز»، فصلنامه جغرافیا و توسعه، سال چهارم، شماره ۷: صص ۸۹-۱۱۴.
۷. رجبی‌پور، محمود (۱۳۸۲) «درآمدی بر احساس امنیت در بستر امنیت عینی»، فصلنامه دانش انتظامی، سال پنجم، شماره ۲: صص ۸-۳۰.
۸. ساروخانی، باقر؛ نویدنیا، منیژه (۱۳۸۵) «امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت در تهران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲: صص ۷۸-۱۰۶.
۹. شاه‌حسینی، پروانه (۱۳۸۴) «سکونت‌های خودرو و امنیت اجتماعی: مورد پاکدشت»، مجله جغرافیا و توسعه، سال ۳، شماره ۶: صص ۱۵۷-۱۷۲.
۱۰. فیالکوف، یانکل (۱۳۸۳) جامعه‌شناسی شهر، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: انتشارات آگه.
۱۱. قاسمی اردهایی، علی؛ حسینی راد، علی (۱۳۸۸) «ویژگی‌های منتخب مهاجران داخلی ایران طی دهه‌ی ۸۵-۱۳۷۵»، گزیده مطالب آماری، سال ۲۰، شماره ۲: صص ۱۹۳-۲۱۰.
۱۲. قرخلو، مهدی؛ میره، محمد (۱۳۸۶) «توانمندسازی اجتماعی، راه حلی برای حاشیه‌نشین‌ی»، فصلنامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال دوم، شماره سوم: صص ۱۱۱-۱۲۶.
۱۳. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶) جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۱۴. موسویان، اکرم سادات (۱۳۸۵)، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۷۹.
۱۵. نقدی، اسدالله؛ صادقی، رسول (۱۳۸۵) «حاشیه‌نشین‌ی چالشی فراروی توسعه پایدار شهری»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲۰: صص ۲۱۳-۲۳۳.

16. Akhter Ali, Mohammed; Toran, Kavita (2004) "Migration, Slums and Urban Squalor - A case study of Gandhinagar Slum" in Martin J. Bunch, V. Madha Suresh and T. Vasantha Kumaran, eds., Proceedings of the Third International Conference on Environment and Health, Chennai, India, 15-17 December, 2003. Chennai: Department of Geography, University of Madras and Faculty of Environmental Studies, York University. Pages 1-10

